

**ابراء دین در قانون مدنی**

هنگامی که تعهدی بین دو طرف وجود دارد، مدیون ناچار به انجام آن تعهد است، مگر آنکه طلبکار (دائن) از انجام آن تعهد که به نفع اوست، صرف نظر کند.



هنگامی که تعهدی بین دو طرف وجود دارد، مدیون ناچار به انجام آن تعهد است، مگر آنکه طلبکار (دائن) از انجام آن تعهد که به نفع اوست، صرف نظر کند. اصطلاح ابراء به این موضوع اشاره دارد. ابراء از ریشه برء یا بُرء، در اصطلاح لغوی به معنای صرف نظر کردن یا رهانیدن است و در فقه نیز به عملی اطلاق می شود که موجب سقوط تعهد است و برائت ذمه مدیون را در پی دارد.

به گزارش «تابناک» ابراء در فقه به دو صورت رخ می دهد: نخست طلبکار به مدیون بگوید که تو را از دینی که به من داری بری کردم (اسقاط حق) یا اینکه بگوید طلبم را به تو بخشیدم. (تملیک دین)

در حقوق ایران، ماده ۲۸۹ قانون مدنی به تعریف ابراء پرداخته است «ابراء عبارت است از اینکه دائن از حق خود، به اختیار صرف نظر کند.» در این تعریف قانونی نکات زیر قابل توجه است:

ابراء عملی حقوقی است که به اراده یک نفر (دائن یا طلبکار) صورت می پذیرد و مدیون در آن نقشی ندارد؛ بنابراین در اصطلاح نوعی از ایقاع است.

ایقاع عمل حقوقی یک جانبه ای است و برخلاف عقد که برای تحقق یافتن به اراده دو طرف نیاز دارد، برای تحقق ایقاع، اراده یک نفر کافی است.

تحقق ابراء مستلزم وجود دینی است که از قبل میان دائن و مدیون وجود دارد؛ بنابراین عمل حقوقی تبعی است و تابع وجود آن دین است.

در ابراء طلبکار به طور رایگان از حق خود می گذرد، نه اینکه آن را به دیگری بدهد. بعد از ابراء گویی حقی از ابتدا وجود نداشته است.

ابراء مختص به حقوق دینی (در مقابل حقوق عینی) است. حق عینی، حقی است که شخصی در مورد عین و شیء در عالم خارج دارد و اگر طلبکاری بخواهد از حق عینی خود در مقابل مدیون صرف نظر کند، در اصطلاح حقوقی از آن اعراض می کند. به طور کلی در ابراء، قواعد عمومی قراردادها مانند اهلیت، معلوم بودن و مردد نبودن و ... جاری است، مگر آنکه ماهیت خاص ابراء قاعده ای خاص را بطلبد و آن قاعده در احکام ابراء در قانون یا اصول حقوقی آمده باشد.

**ارکان ابراء**

ابراء دارای ۴ رکن است که به طور جداگانه بررسی می شود:

ابراءکننده، صاحب حق یا دائن (طلبکار)

ابراءکننده فردی است که به اختیار از حق دینی خود صرف نظر می کند. از آنجایی که ابراء عملی حقوقی است، دائن در درجه اول باید اهلیت این عمل را داشته باشد. (ماده ۲۹۰ قانون مدنی)

ابراءشونده یا مدیون

با اینکه اراده مدیون در تحقق ابراء نقشی ندارد، اما برای صحت آن باید مدیون مشخص باشد و ابراء به نحو تردیدآمیز باطل است؛ مثلاً اگر دائن بگوید که یکی از سه مدیون خود را ابراء کردم و برای این حرف او هم قرینه ای نباشد که منظورش کدام یک از مدیون هاست، عمل او باطل است.

## دین یا حق مورد ابراء

ابراء از دین ثابت بر ذمه که موجود باشد، صحیح است، اعم از اینکه دین بر ذمه مستقر شده باشد و حال باشد یا مؤجل و در آینده و در زمان مشخصی قرار باشد بر ذمه مدیون مستقر شود.

ولی ابراء از دین غیرمعلوم باطل است و کسی نمی تواند دیگران را از دیونی که در آینده نسبت به او پیدا خواهند کرد، بری کند.

اگر وجود دین مسلم باشد، ولی برای ادای آن مهلت معینی وجود داشته باشد، مهلت مانع ابراء نیست و صرف وجود دین برای صحت ابراء کافی است.

## صیغه یا لفظ ابراء

ابراء با هر لفظ یا عملی که نشانگر آن باشد، صحیح است. در مورد تعلیق ابراء به شرط، اختلاف وجود دارد. غالباً حقوقدانان برخلاف فقها، ابراء معلق را صحیح پنداشته اند؛ در این مورد مثل این است که دائن که موجر است به مستاجر بگوید که اگر ملکم را تا مهلت معینی که مشخص کرده ام تخلیه کنی، اجاره ماه گذشته را که ندادی به تو می بخشم.

## انواع ابراء

ابراء بر اساس موضوع خود نیز به ابراء خاص و ابراء عام تقسیم شده است:

### ابراء خاص

ابراء خاص آن است که موضوع آن دین یا حق معین یا حقوق نسبت به عین باشد، مثل اینکه طلبکار، بدهکار را از دین معینی بری کند یا حق انتفاع خود از استفاده از عین معینی را ساقط کرده یا کلیه حقوق خود را نسبت به عین معینی ساقط کند.

### ابراء عام

ابراء عام آن است که دائن به مدیون اعلام کند که وی را از هر دینی که دارد بری می کند یا آن که تمام حقوق خود را نسبت به همه اموال منقول و غیرمنقول مدیون اسقاط می کند.

واضح است که در این موارد، ابراءکننده نمی تواند پس از تحقیق ابراء، حقوق قبل از ابراء را مجدداً مطالبه کند، ولی مطالبه حقوق و دیونی که پس از وقوع ابراء به وجود می آید، مجاز است.

## آثار ابراء

اثر اصلی ابراء سقوط طلب و براءت ذمه مدیون است. این سقوط می تواند ناظر به کل یا بخشی از طلب باشد.

ابراء صرفاً به معنای سقوط تعهد است و نباید آن را در حکم یا معادل پرداخت طلب دانست.

در غیر این صورت اگر زوجه کل مهر خود را به شوهر خود ابراء کند و بعد شوهر بخواهد پیش از نزدیکی او را طلاق دهد، در اینجا زوجه می تواند نیمی از مهر را از او بگیرد.

اگر موضوع طلب به طور جداگانه تضمیناتی نیز داشته باشد، آن تضمینات نیز با تحقق ابراء خودبه خود منحل می شوند.

مثلاً اگر مدیون یا بدهکار برای دین خود به طلبکار وثیقه ای داده باشد، بعد از ابراء کل دین اصلی آن وثیقه نیز آزاد می شود و عقد رهن مابین آن دو منحل می شود و برعکس آن صادق نیست، یعنی اگر دائن از وثیقه صرف نظر کند و حق خود را نسبت به وثیقه ابراء کند، تعهد مدیون به پرداخت دین اصلی همچنان پابرجاست.

